

## انواع محجورین و حدود حجر آنها در حقوق ایران و آلمان

سیده هدیه الزهرا صمیمی<sup>۱</sup>، تقوی کنانی<sup>۲</sup>

### چکیده

مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد تطبیقی، باهدف بررسی تطبیقی انواع محجورین و حدود حجر آنها در دو نظام حقوقی ایران و آلمان انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که محجورین در هر دو نظام شامل صغار، مجانین و سفیهان هستند. در حقوق آلمان علاوه بر این موارد، افراد معتاد به مواد مخدر نیز جزو محجورین محسوب می‌شوند. در هر دو سیستم، محجورین یا به طور کامل محدود هستند یا صلاحیت انجام اعمالی را دارند که نافع باشند. اگرچه هر دو نظام نهاد قیمومیت را لازم می‌دانند در حقوق آلمان به استقلال فردی و تصمیم‌گیری‌های شخصی محجوران اهمیت بیشتری داده شده است، درحالی‌که در حقوق ایران، اختیارات گسترده‌تری به ولی یا قیم واگذار شده است. باوجود اشتراکات فراوان، تفاوت‌های معناداری بین دو نظام وجود دارد که ناشی از مبانی فقهی-شرعی در ایران و اصول سکولار و مدرن در آلمان است. به نظر می‌رسد با مطالعات تطبیقی می‌توان از نقاط قوت هر نظام برای تکمیل و بهبود نظام دیگر بهره برد.

**واژگان کلیدی:** صغیر، مجنون، غیر رشید، ایران، آلمان، قیم.

### ۱. مقدمه

حجر، یکی از مفاهیم بنیادین در حقوق مدنی، وضعیتی حقوقی است که براساس آن، فرد به دلیل شرایط خاص جسمی، روانی یا اجتماعی قادر به اعمال حقوقی خود به صورت مستقل

---

۱. دانش پژوه کارشناسی حقوق و معارف اسلامی، از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

و کامل نیست. این وضعیت می‌تواند ناشی از نقصان عقلی، عدم رشد کافی یا نیاز به حمایت در برابر سوءاستفاده‌های احتمالی باشد. از منظر حقوقی، تعریف دقیق محجورین و تعیین حدود حجر آنها اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا به طور مستقیم بر توانایی افراد برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و حقوقی تأثیر می‌گذارد. نظام‌های حقوقی مختلف با توجه به پیشینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی خود، رویکردهای متفاوتی نسبت به موضوع حجر اتخاذ کرده‌اند. در حقوق ایران که به شدت متأثر از اصول و احکام فقه اسلامی است انواع محجورین و حدود حجر آنها براساس معیارهای شرعی تعریف شده است. از سوی دیگر، حقوق آلمان که یکی از نظام‌های حقوقی پیشرو در اروپاست مبتنی بر اصول سکولار و قواعد مدرن، دیدگاه متفاوتی به این موضوع دارد. تفاوت در مبانی نظری این دو نظام حقوقی باعث شده است که معیارها و آثار حقوقی مربوط به محجورین نیز در آنها متفاوت باشد.

مطالعه تطبیقی موضوع حجر در دو نظام حقوقی ایران و آلمان نه تنها به درک بهتر این مفهوم در چارچوب‌های نظری و عملی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند زمینه‌ای برای شناسایی نقاط قوت و ضعف هریک از این نظام‌ها باشد. بررسی چنین موضوعی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا حقوق مدنی در هر دو کشور به دنبال حفظ تعادل میان حمایت از افراد آسیب پذیر و تضمین حقوق و آزادی‌های فردی است. موضوع محجورین و حدود حجر آنها در حقوق ایران و آلمان در قالب انواع کتب و مقالات بررسی شده است، اما مطالعه تطبیقی این دو نظام کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، بررسی تطبیقی انواع محجورین و حدود حجر آنها در حقوق ایران و آلمان ضروری به نظر می‌رسد.

## ۲. مفهوم‌شناسی

### ۱-۲. محجور

محجور از ریشه حجر و به معنی منع و بازداشتن است. (دهخدا، ۱۳۶۸، ص ۳۷۲۸) در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می‌شود که از بخشی از تصرفات و اعمال حقوقی منع شده است

(جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۶). حجر عبارت است از: منع شخص به حکم قانون از اینکه بتواند امور خود را به طور مستقل و بدون دخالت دیگری اداره کند و اعمال حقوقی انجام دهد و فاقد اهلیت استیفا باشد (رفیعی، ۱۳۹۰، ص ۳۶۵).

## ۲-۲. صغیر

صغیر در لغت به معنای خرد و کوچک است. (دهخدا، ۱۳۶۳، ص ۲۷۸۳) در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می شود که به سن بلوغ شرعی نرسیده است.

## ۲-۳. رشید

رشید در لغت به معنای رشد یافته است. (دهخدا، ۱۳۶۸، ص ۲۳۸۴) براساس ماده ۱۲۰۸ قانون مدنی، در اصطلاح حقوقی، رشید به کسی اطلاق می شود که به سن رشد رسیده باشد، تصرفاتش در اموالش عقلایی باشد و توانایی اداره اموالش را داشته باشد.

## ۲-۴. قیّم

قیّم در لغت به معنای حمایت و سرپرستی است. (دهخدا، ۱۳۶۸، ص ۲۵۲۳) در اصطلاح به کسی اشاره دارد که از طرف دادگاه به تقاضای دادستان و برای حمایت از محجورین یعنی، برای مواظبت شخص او و اداره اموالش تعیین می شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۳).

## ۳. انواع محجورین و مسئولیت مدنی آنها در حقوق ایران

### ۳-۱. انواع محجورین

براساس ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی، محجورین شامل صغار، غیررشید و مجانین هستند و در قانون مدنی ایران تنها همین سه دسته رسمیت دارند. این ماده تمرکزش بر افرادی است که به دلیل نیاز به حمایت قانونی، محدودیت هایی در تصرفاتشان دارند. برای تشخیص محجورین باید دلیل کافی وجود داشته باشد. بنابراین، اگر کسی خارج از این گروه ها محدودیتی در اختیاراتش داشته باشد به دلایلی غیر از نقص یا فقدان اراده است.

### ۳-۱-۱. صغیر

صغیر براساس قانون مدنی به کسی گفته می شود که به سن ۱۸ سال نرسیده باشد و توانایی اداره امور مالی خود را به طور مستقل نداشته باشد. این نکته قبل از اصلاح قانون مدنی در سال ۱۳۶۱ بود. باتوجه به تغییرات صورت گرفته، سن بلوغ برای پسران ۱۵ سال تمام قمری و برای دختران ۹ سال تمام قمری در نظر گرفته شده است. (صفایی، ۱۳۸۲) در حقوق ایران، صغیر به فردی اطلاق می شود که هنوز به سن قانونی رشد و بلوغ برای اعمال حقوقی و مالی نرسیده است.

اول) صغیر ممیز و صغیر غیرممیز: صغیر به دو دسته صغیر ممیز و غیرممیز تقسیم می شود. صغیر غیرممیز، اراده انشایی و توانایی تشخیص سود و زیان و زیبا و زشت را ندارد. صغیر ممیز شخصی است که توانایی تشخیص سود و زیان و مانند آن را دارد و از طرفی قوه درک و تمیز نسبی دارد. قسمت اعظم محتوای مقاله حاضر متمرکز بر صغیر ممیز است. صورت بروز اختلاف، تشخیص آن برعهده دادرس است. (صفایی، ۱۴۰۰، ص ۱۲۰)

دوم) تردید در وصف تمیز: تشخیص ممیز یا غیرممیز بودن صغیر اهمیت زیادی دارد. براساس ادله اثبات دعوا، طرفی که سخنش موافق با اصل است نیاز به دلیل ندارد و دلیل باید توسط کسی ارائه شود که ادعایش خلاف اصل است. به همین دلیل، عدم تمیز در صغیر بر تمیز مقدم است. در صورت شک، حکم به بقای حالت سابقه داده می شود. بنابراین، در مورد معامله صغیر، کسی که این معامله را باطل می داند نیازی به دلیل و اثبات ادعای خود ندارد، بلکه طرف دیگر که صغیر را ممیز و دارای اراده حقوقی می داند باید به دنبال دلیل و اثبات ادعای خود باشد. (ارشدی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۶)

سوم) اعمال حقوقی و مسئولیت مدنی صغیر ممیز: اعمال حقوقی به کارهایی مانند عقود و ایقاعات اطلاق می شود که افراد برای رسیدن به برخی آثار حقوقی انجام می دهند. افراد برای انجام اعمال حقوقی باید قدرت تمیز و اراده داشته باشند تا بتوانند امور مختلف را از یکدیگر تشخیص دهند. صغیر غیرممیز تمام اعمال حقوقی اش باطل است و هیچ اثر حقوقی ندارد؛ زیرا

فاقد اراده حقوقی یا انشایی است. زمانی که صغیر نیروی تمیز داشته باشد، می‌تواند اعمال حقوقی را به‌طور مستقل انجام دهد. در مواردی، صغیر ممیز می‌تواند اعمال حقوقی نافع را به‌طور مستقل انجام دهد و در این باره به اذن ولی یا قیم نیازی ندارد. در مورد اینکه آیا صغیر می‌تواند وکالت بپذیرد یا نه بین حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای بر این باور هستند که پذیرش وکالت برای صغیر ممیز مشکلی ندارد؛ زیرا این کار هم برای او سودمند است و هم به او امکان می‌دهد که بدون ایجاد تعهدی برای خود، تجربه کسب کند. گروهی دیگر معتقد هستند که ممنوعیت‌های مربوط به صغیر ممیز فقط شامل تصرف در اموال خودش است و نه تصرف در اموال دیگران به شرطی که این اقدام با اجازه صاحب مال باشد. براساس این نظر، صغیر ممیز حتی بدون اجازه ولی خود می‌تواند وکالت شخص دیگری را بپذیرد.

برخی معتقدند که صغیر ممیز می‌تواند عاریه بگیرد؛ زیرا این عمل نافع است و مشابه قبول هبه است. با این حال، این نظر قابل ایراد است؛ زیرا وقتی صغیر مال عاریه‌ای را می‌گیرد، ممکن است نتواند آن را حفظ کند و مسئول شناخته شود. بنابراین، این عمل را نمی‌توان با هبه مقایسه کرد. همچنین، مال عاریه برای استفاده شخصی به صغیر داده می‌شود. بنابراین، اذن ولی در این مورد ضروری است. برخی بر این باور هستند که صغیر ممیز می‌تواند ودیعه قبول کند؛ زیرا تصور می‌شود که این عمل تصرف در اموال خود صغیر نیست. بنابراین، خارج از محدودیت‌های مربوط به حجر قرار دارد، اما این نظر نیز قابل نقد است؛ زیرا قبول ودیعه، صغیر را به نگهداری مال دیگران متعهد می‌کند و این یک عمل نافع نیست؛ زیرا صغیر ممکن است به دلیل قصور در نگهداری مال، مسئول شناخته شود.

همچنین ممکن است نیروی کاری که صغیر صرف حفظ مال می‌کند بدون هیچ منافع عقلایی تلف شود که خود نوعی ضرر به حساب می‌آید. براساس قاعده کلی، قبول ودیعه از سوی صغیر ممیز بدون اذن ولی باید غیرنافذ باشد. صغیر ممیز بدون اذن ولی نمی‌تواند ازدواج کند. در حقوق امروز، ولی قهری می‌تواند برای صغیر عقد نکاح ببندد، اما برای ازدواج

دختر قبل از ۱۳ و پسر قبل از ۱۵ سال اجازه دادگاه نیز لازم است. در فقه امامیه، برخی عقد صغیر ممیز را غیر نافذ می‌دانند؛ زیرا اراده حقوقی دارد، ولی پس از بلوغ می‌تواند آن را تنفیذ یا رد کند. بنابراین، عقد با اذن ولی برای صغیر ممیز نافذ است. (صفایی، ۱۴۰۰) اگر صغیر، چه ممیز و چه غیر ممیز به دیگری زیان وارد کند مسئول خواهد بود. در ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی آمده است: «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید ضرری به دیگری وارد کند، ضامن است». این ماده از فقه اسلامی گرفته شده و در فقه، مسئولیت مدنی بدون تفاوت بین اتلاف و تسبیب پذیرفته شده است. اگر مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر باشد این ایراد مطرح می‌شود که صغیر غیر ممیز و مجنون چون درک و تمیز ندارند، نمی‌توانند مقصر باشند؛ زیرا تقصیر به درک و تمیز نیاز دارد. به همین دلیل، ماده ۱۲۱۶ که صغیر غیر ممیز و مجنون را مسئول می‌داند با قواعد عمومی مسئولیت مدنی تطابق ندارد و حتی می‌توان گفت این تصمیم غیر منطقی و ناعادلانه است؛ زیرا قانون برای شخص بالغ و عاقل در صورت ارتکاب تقصیر، مسئولیت می‌طلبد و صغیر و مجنون را بدون تقصیر، مسئول می‌داند. این برخورد نسبت به محجورین که نیاز به حمایت بیشتری دارند توجیه‌پذیر نیست. در پاسخ می‌توان گفت که تقصیر در مسئولیت مدنی به معنای رفتار غیر متعارف است و نیازی به درک و تمیز ندارد. بنابراین، باید رفتار کودک را با رفتار فرد بالغ و عاقل مقایسه کرد نه با رفتار سایر کودکان (کاتوزیان، ۱۳۹۹).

### ۳-۱-۲. جنون

مجنون به کسی گفته می‌شود که قوه عقل و درک ندارد و به اختلال کامل قوای دماغی مبتلاست. مجنون و سفیه را نباید یکی پنداشت؛ زیرا سفیه، شخص عاقلی است که نمی‌تواند امور مالی خود را اداره کند، ولی به اختلال کامل قوای دماغی مبتلا نیست. در فقه امامیه چنین تفکیکی دیده نمی‌شود و چیزی در قالب مجنون نسبی شناخته نشده است. جنون درجاتی دارد که در برخی از کشورها مانند فرانسه بین درجات جنون تفکیک قائل شده و متناسب با درجه آن قوانینی برای حمایت از محجور برقرار کرده‌اند. در حقوق ایران، قانون‌گذار بدون هیچ توجهی به این درجات، مقرر می‌دارد جنون به هر درجه که باشد موجب حجر

است. این مسئله در مورد کسانی که به بیهوشی یا اغما به طور مستمر یا ادواری مبتلا هستند نیز مطرح می‌شود. در این مورد نیز شاید بتوان آنها را در حکم مجنون قرار داد و به حکم دادگاه، یک رژیم حمایتی برای آنها برقرار کرد، هرچند که قبول این راه حل بدون تصریح قانون گذار خالی از اشکال نیست. قابل ذکر است که هرگاه این گونه اشخاص در حال فقدان شعور و اراده، اعمال حقوقی انجام دهند اعمال مزبور در صورت اثبات فقدان قصد، باطل و کأن لم یکن خواهد بود، البته برای ابطال این اعمال به حجر نیازی نیست، بلکه نظریه اراده و قصد کافی است، اما برقراری یک رژیم حمایتی برای اداره امور آنها مانند قیمومت به حجر نیاز دارد. (صفایی، ۱۳۹۹، ص ۱۳۳)

اول) اقسام جنون: جنون متصل و غیرمتصل به صغر: در این تقسیم بندی، مجنون را به اعتبار زمان ابتلائش به جنون به دو گروه تقسیم کرده اند: مجنونی که جنون او متصل به دوران صغراست و مجنونی که جنون او متصل به ایام صغر نیست. به این تقسیم بندی در بند ۲ و ۳ ماده ۱۲۱۸ ق.م. اشاره شده است. هردو گروه مجبور هستند و تمام تصرفات و اعمال حقوقی آنها باطل است، اما هرگاه گروه نخست، ولی خاص داشته باشند به قیم احتیاجی ندارند و سرپرستی آنها با ولی خاص است. برای گروه دوم باید قیم نصب شود، هرچند پدر و جد پدری داشته باشند.

جنون دائمی و جنون ادواری: براساس ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی، مجنون به اعتبار استمرار جنون و عدم استمرار آن به مجنون دائمی یا اطلاق و مجنون ادواری تقسیم می‌شود. مجنون دائمی، جنون مستمر و مداوم دارد، اما مجنون ادواری، حالات متفاوت دارد. گاهی در حال جنون و گاهی در حال افاقه به سر می‌برد. (صفایی، ۱۴۰۰، ص ۱۳۴)

دوم) اعمال حقوقی و مسئولیت مدنی مجنون: مجنون دائمی به دلیل ناتوانی در استفاده از عقل و درک، قادر به انجام اعمال حقوقی نیست و نمی‌تواند قصد یا اراده ای برای انجام این اعمال داشته باشد. به همین دلیل، مشابه با صغیر غیرممیز، او در معرض حجر کامل قرار دارد و

هیچ گونه تصرف یا معامله ای از او معتبر نیست. براساس ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی، تمام تصرفات و معاملات مجنون دائمی باطل است. افرادی که مجنون ادواری هستند در زمان افاقه می توانند مانند افراد عاقل اقدام به انجام معاملات کنند و این معاملات در صورتی که افاقه آنها قطعی باشد معتبر و نافذ است. در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی در مورد مسئولیت مدنی مجنون آمده است: «اگر مجنون، ضرری به دیگران وارد کند و نیاز به جبران آن باشد مسئولیت این جبران برعهده کسی است که نگهداری از او را برعهده دارد. در این شرایط باید خسارت از مال مجنون پرداخت شود، اگر موجب تنگدستی مجنون نشود، اما اگر تقصیر از نگهدارنده باشد به دلیل کم توجهی در نگهداری از مجنون، جبران خسارت برعهده اوست» (صفایی، ۱۴۰۰، ص ۱۳۵).

### ۳-۱-۳. غیررشید (سفیه)

براساس ماده ۱۲۰۸ قانون مدنی، غیررشید یا سفیه کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی خود عقلایی نباشد. سفیه را نباید با مجنون اشتباه گرفت. مجنون، فاقد قوه درک و تشخیص و مبتلا به اختلال کامل قوای دماغی است، اما سفیه چنین نیست، بلکه مرحله ای از درک و تشخیص را دارد و حتی ممکن است مدارج علمی و ارزش اجتماعی داشته باشد، ولی به دلیل ضعف قوای دماغی یا ضعف اراده نمی تواند اموال خود را به طور عاقلانه اداره کند. سفیه در مقابل رشید به کار می رود. بنابراین، رشید در حقوق مدنی کسی را گویند که بتواند در اموال خود عاقلانه تصرف کند. در عمل، ۱۸ سال تمام شمس را سن رشد می دانند و فرد در اداره امور خودش استقلال پیدا می کند، مگر اینکه عدم رشد او به اثبات برسد. غیررشید به کسی گفته می شود که پس از بلوغ، رشد کافی را به دست نیاورده یا پس از تحصیل رشد، آن را ازدست داده است. صغیر ممیز کسی است که هنوز به سن بلوغ نرسیده، ولی تاحدی قدرت درک و تشخیص و تمیز سود و زیان در معاملات را به دست آورده است، البته می توان گفت هر غیرممیزی، غیررشید هم هست، ولی هیچ ممیزی پیش از بلوغ، رشید محسوب نمی شود. (صفایی، ۱۴۰۰).



اول) اعمال حقوقی و مسئولیت مدنی غیررشدید: حجر سفیه محدود به امور مالی است و در امور غیرمالی مانند طلاق، سفیه می‌تواند اعمال حقوقی انجام دهد در صورتی که صغیر ممیز، هم در امور مالی و هم در امور غیرمالی محجور است و نمی‌تواند با اراده مستقل خویش عمل حقوقی انجام بدهد مگر در پاره‌ای از موارد که قانون‌گذار به او اجازه داده است. ماده ۱۲۱۴ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «معاملات و تصرفات غیررشدید در اموال خود نافذ نیست مگر با اجازه ولی یا قیم او، اعم از اینکه اجازه قبلاً داده شده باشد یا بعد از انجام عمل داده شود». نقطه اشتراک سفیه با صغیر ممیز این است که اعمال حقوقی سفیه نیز مانند صغیر ممیز به سه گروه تقسیم می‌شود: اعمال صرفاً مضر، اعمال صرفاً نافع و اعمالی که احتمال نفع و ضرر دارد. (صفایی، ۱۴۰۰، ص ۱۳۲)

غیررشدید نیز مانند سایر محجورین، مسئولیت مدنی دارد و قانون‌گذار به دلیل عدم رشد وی در امور مالی، امتیازی در این باره برای او قائل نشده است. ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه صغیر یا مجنون یا غیررشدید باعث ضرر شود، ضامن است». این ماده چنان‌که گفته شد مبتنی بر فقه اسلامی است و در فقه درباره ضمان قهری تفاوتی بین رشدید و غیررشدید نیست. فقها حجر را مربوط به اعمال حقوقی و نه افعال و اعمال زیان‌آور می‌دانند. سفیه برخلاف صغیر غیرممیز، قدرت عقل و تمیز دارد، پس مانعی برای مسئولیت مدنی وی وجود ندارد، حتی اگر تقصیر، مبنای مسئولیت تلقی شود و در مفهوم تقصیر براساس نظریه سنتی، درک و تمیز، شرط باشد. (کاتوزیان، ۱۳۹۹)

### ۲-۳. حمایت از محجورین در حقوق ایران

محجورین به دلیل سن کم و ضعف یا اختلال در قوای روحی، توانایی اداره امور خود را ندارند و نیازمند کمک دیگران هستند. قانون‌گذار برای حمایت از این افراد علاوه بر تعیین حجر که هدفش حفظ حقوق و منافع آنهاست اشخاصی را مسئول اداره امور آنها می‌کند. این افراد باید اهلیت کامل داشته باشند و وظیفه آنها مراقبت شخصی یا مدیریت امور مالی محجورین

است. براساس ماده ۱۱۹۴ این مسئولیت ممکن است به پدر، جد پدری، وصی منصوب ازسوی آنها یا شخصی که دادگاه تعیین می کند، واگذار شود. پدر، جد پدری و وصی منصوب، ولی خاص شناخته می شوند و فردی که دادگاه او را منصوب می کند قیم نامیده می شود. گاهی برای حمایت از محجور، نهادهای دیگری مانند امانت گذاری یا سرپرستی به کار گرفته می شود. در حقوق مدنی، ولایت به معنای اختیاری است که قانون برای اداره اموال یا مراقبت از محجور به فردی واجد صلاحیت می دهد. ولایت قهری مخصوص پدر و جد پدری است و چون به صورت اجباری و به حکم قانون اعمال می شود به آن قهری می گویند. ولی قهری نماینده قانونی مولی علیه است و وظیفه دارد با رعایت مصلحت، امور مالی و شخصی محجور را اداره کند. اگر محجور غیررشید باشد ولی قهری تنها مسئولیت اداره اموال او را برعهده دارد. این فرد می تواند معاملات مالی برای محجور انجام دهد، مشروط به اینکه این معاملات به سود او باشد و هیچ گونه ضرری نرساند. هریک از پدر یا جد پدری به تنهایی می تواند اقداماتی مانند فروش، اجاره یا خرید برای محجور انجام دهد و اگر این اقدامات در راستای منافع محجور باشد دیگری حق اعتراض ندارد. (صفایی، ۱۴۰۰، ص ۱۴۵)

#### ۴. انواع محجورین و حدود حجر و مسئولیت مدنی آنها در حقوق آلمان

حقوق و اعمال محجورین در نظام حقوقی آلمان نیز اهمیت بسیاری دارد. در قانون آلمان، محجورین افرادی هستند که به دلیل سن، وضعیت روانی یا سایر عوامل، توانایی انجام بسیاری از کارهای حقوقی را ندارند یا این توانایی در آنها محدود شده است. محجورین در قانون آلمان عبارتند از: محجورین به دلیل سن کم (کودکان و نوجوانان) (نوری، ۱۴۰۳، ماده ۱۰۴ و ۱۰۶)؛ محجورین به دلیل وضعیت روحی یا جسمی (نوری، ۱۴۰۳، بند ۲ ماده ۱۰۴)؛ و محجورین به دلیل اعتیاد یا رفتار مخرب (نوری، ۱۴۰۳، ماده ۱۸۹۶).

#### ۴-۱. کودکان و نوجوانان (محجورین به دلیل سن کم)

در بند ۱ ماده ۱۰۴ قانون مدنی آلمان (BGB) آمده است: «افراد زیر ۷ سال اهلیت قانونی ندارند و این به این معناست که این افراد نمی‌توانند به تنهایی اعمال حقوقی انجام دهند و اثر عمل حقوقی ایجاد تعهد یا انتقال مال برایشان داشته باشد؛ زیرا کودکان در این سن درکی از پیامدهای قانونی اعمال خود ندارند». می‌توان گفت که کودکان زیر ۷ سال نمی‌توانند قرارداد ببندند و توانایی پذیرش تعهدات قانونی را ندارند و هر عمل حقوقی که توسط آنها انجام شود از نظر قانون باطل است. تنها در صورتی عمل آنها مورد پذیرش است که والدین یا قیم قانونی آنها تأیید کنند، البته در این باره استثنائاتی نیز برای عمل کودک وجود دارد مانند اگر عمل حقوقی به نفع کودک باشد.

#### ۴-۱-۱. حدود حجر کودکان زیر ۷ سال

کودکان زیر ۷ سال نمی‌توانند قرارداد های مالی یا حقوقی منعقد کنند و اگر معامله ای نیز منعقد شود از نظر قانونی باطل است و حتی اگر والدین موافقت کنند و اجازه والدین و اطلاع آنها هم وجود داشته باشد خود کودک نمی‌تواند طرف اصلی قرارداد شناخته شود؛ زیرا کودک، اهلیت قانونی ندارد. پس حجر کودک شامل تمام اعمال حقوقی از معاملات مالی، تعهدات قراردادی و انتقال مالکیت است و در امور غیرمالی مانند تصمیمات مرتبط با آموزش یا تربیت نیز بازهم خود کودک اراده ای ندارد و والدین یا قیم قانونی مسئولیت دارند. ماده ۱۰۶ BGB مقرر می‌دارد: «نوجوانان بین ۷ تا ۱۸ سال نیز اهلیت حقوقی محدودی دارند که نشان دهنده این است که افراد در این بازه سنی می‌توانند اعمال حقوقی انجام دهند، اما این اعمال تنها تحت شرایط خاصی معتبر است. این محدودیت برای حمایت از نوجوانان در برابر تصمیم‌گیری‌های ناپخته و عوامل زیان‌آور است. نوجوانان در این بازه سنی برخلاف کودکان، توانایی انجام برخی اعمال حقوقی را دارند، اما این اختیار و توانایی به شرطی قابل قبول است که همراه با رضایت والدین یا نماینده قانونی باشد. این محدودیت به دلیل عدم بلوغ کامل

عقلی و تجربی نوجوانان و نیازمندی آنها به حمایت مالی و حقوقی است». برای اینکه اعمال حقوقی آنها اعتبار داشته باشد نیاز به وجود شرایطی است که عبارتند از: رضایت قیم: براساس ماده ۱۰۷ BGB تنها در صورتی عمل حقوقی نوجوان قابل قبول است که قیم قبل یا بعد از انعقاد قرارداد آن را تأیید کند. هرچند ماده ۱۱۰ BGB برخی اعمال را بدون نیاز به اجازه قیم معتبر می‌داند مانند معامله جزئی با پول توجیبی که دولت به آنها می‌دهد یا عمل حقوقی که به سود نوجوان است و برای او تعهدی ایجاد نمی‌کند.

#### ۴-۱-۲. حدود حجر نوجوانان

نوجوان نمی‌تواند قراردادهای مالی پیچیده با تعهدات بلند مدت منعقد کند، مگر با تأیید قیم. او می‌تواند قراردادهایی منعقد کند که زیان آور نباشند یا ریسک مالی بالایی نداشته باشند. در غیر این صورت، حتی اگر رضایت قیم وجود داشته باشد گاهی توسط دادگاه لغو می‌شود. نوجوان قادر به انجام برخی تصمیمات غیرمالی مانند امور مرتبط با تحصیل یا فعالیت‌های ورزشی با توجه به رضایت ضمنی قیم است. تصمیماتی که بر حقوق اساسی او تأثیر می‌گذارد مانند تغییر نام یا تغییر محل سکونت، نیازمند رضایت صریح قیم و حتی گاهی نیازمند تأیید دادگاه است. از سن ۱۴ سالگی به موجب قوانین کیفری آلمان مسئول شناخته می‌شود که این موضوع اهلیت حقوقی جداگانه‌ای است. اگر نوجوان عمل حقوقی انجام داد که نیاز به تأیید قیم داشته باشد و این تأیید وجود نداشته باشد عمل حقوقی او به طور موقت غیرمعتبر است تا زمانی که تأیید یا رد شود.

#### ۴-۲. محجورین به دلیل وضعیت روحی یا جسمی

افرادی که به دلیل بیماری روانی یا اختلال ذهنی دائمی، توانایی درک ندارند و صلاحیت خود را برای انجام اعمال حقوقی از دست داده‌اند فاقد اهلیت قانونی هستند. بیماری روانی یا اختلال ذهنی باید دائمی باشد نه موقت، البته این وضعیت باید مانع از درک این شود که شخص نتواند پیامدهای حقوقی اعمال خود را متوجه شود. در این صورت، تمام اعمال

حقوقی که این شخص انجام می دهد مانند انعقاد قرارداد یا انتقال مالکیت، باطل است، مگر در صورتی که عمل حقوقی که انجام می دهد به نفع فرد باشد و تعهدی برای او ایجاد نکند. این افراد فاقد اهلیت قانونی هستند و برای انجام عمل حقوقی نیاز به تعیین نماینده قانونی یا قیم دارند. براساس ماده ۱۰۵ BGB اعمال حقوقی افرادی که در حالت اختلال روانی موقت یا دائم قرار دارند، باطل است. این ماده شامل اختلالات دائمی است و اختلالات موقتی را نیز دربرمی گیرد. در این صورت، هر عمل حقوقی که در این حالت انجام می شود به طور خودکار باطل است، حتی اگر فردی در زمان توانایی ذهنی اقدام کرده باشد عمل حقوقی انجام شده در زمان اختلال معتبر نخواهد بود. این ماده، اعمال حقوقی را که به طور موقت در زمان اختلال انجام شده است را نیز باطل می داند و باید قیم یا نماینده قانونی به جای فرد تصمیم بگیرد.

#### ۴-۲-۱. حدود حجر مجبورین به دلیل وضعیت روحی یا جسمی

افراد فاقد توانایی ذهنی دائمی، فاقد اهلیت قانونی کامل هستند و تمام اعمال حقوقی آنها نیاز به قیم یا نماینده قانونی دارد. در نتیجه، تمام اعمال حقوقی که این افراد انجام می دهند همچنین اعمال حقوقی که افراد با اختلالات موقت در حالت اختلال انجام داده اند، باطل است، هر چند ممکن است در شرایط عادی اهلیت قانونی داشته باشند.

#### ۴-۳. مجبورین به دلیل اعتیاد یا رفتار مخرب

ماده ۱۸۹۶ BGB به افرادی اشاره دارد که به دلیل اعتیاد یا رفتارهای مخرب توان اداره امور خود را ندارند. این ماده چارچوب قانونی تعیین قیم برای حمایت از این دسته افراد را مشخص می کند و تفاوت هایی با مجبورت به دلیل روانی یا جسمی دارد. این اشخاص اعتیاد به مواد مخدر، الکل، قمار یا سایر رفتارهایی که به طور جدی، توانایی فرد را در مدیریت امور مالی یا شخصی مختل می کند، دارند. همچنین این اشخاص به دلیل رفتارهای مخرب یا اعتیاد، توانایی تصمیم گیری آگاهانه یا مدیریت منظم زندگی خود را از دست داده اند.

#### ۴-۳-۱. حدود حجر مجبورین به دلیل اعتیاد یا رفتار مخرب

مجبورین می‌توانند در تمام تصمیمات زندگی خود آزادانه عمل کنند به جز تصمیمات مالی مانند مدیریت اموال یا پرداخت بدهی‌ها و همچنین امور بهداشتی مانند تصمیم‌گیری‌های پزشکی و قراردادهای مالی حقوقی پیچیده. تفاوت این دسته با مجبورین به دلیل اختلالات روانی یا جسمی عبارت است از: ناتوانی مجبورین به دلیل اختلالات روانی یا جسمی، بیماری روانی یا ناتوانی جسمی دائمی است که مانع درک حقوقی می‌شود و اهلیت حقوقی این افراد را به طور کامل زائل می‌کند. این افراد اهلیت حقوقی ندارند و برای تمام اعمال خود نیازمند قیم هستند. اراده این افراد می‌تواند به دلیل اختلال دائمی به طور کامل قابل تشخیص نباشد و در تصمیم‌گیری امور روزمره خود نیز نیازمند قیم قانونی باشند. دادگاه بر تمام امور حقوقی و مالی آنها نظارت دارد. در ناتوانی مجبورین به دلیل اعتیاد یا رفتار مخرب، شرایط آنها به تصمیم‌گیری‌هایشان آسیب می‌زند و این محدودیت‌ها تنها در حوزه‌های ضروری اعمال می‌شود. چنانچه فرد توانایی ابراز اراده آگاهانه داشته باشد سرپرست تعیین نمی‌شود و در تصمیمات ساده و روزمره خود استقلال دارند. ازطرفی، تعیین سرپرست باید توسط دادگاه تأیید و به طور محدود اعمال شود. درنهایت می‌توان این نتیجه را گرفت که مجبوریت به دلیل اعتیاد یا رفتار مخرب بر حفظ تعادل بین حمایت از فرد و احترام به استقلال او تمرکز دارد. درحالی‌که افراد مبتلا به اختلالات روانی یا جسمی، فاقد اهلیت قانونی کامل هستند. در مورد افراد با رفتارهای مخرب یا اعتیاد، قانون تلاش می‌کند تا سرپرستی را محدود و متناسب با نیازهای خاص فرد اعمال کند. این رویکرد از یک سو از فرد محافظت می‌کند و ازسوی دیگر به او فرصت بازگشت به زندگی مستقل را می‌دهد.

#### ۴-۴. حمایت از مجبورین در حقوق آلمان

مواد ۱۸۹۶ تا ۱۹۰۸ BGB به تعیین قیم اشاره دارند و بخشی از نظام حقوقی آلمان برای حمایت از اشخاصی هستند که ناتوان ذهنی یا جسمی دارند یا به دلیل شرایط خاص، توانایی مدیریت امور خود را ندارند. این قوانین برای تعادل میان حمایت قانونی از این افراد و حفظ

استقلال آنها تعیین شده است. اگر شخصی که به سن قانونی رسیده است به دلیل بیماری روانی یا ذهنی یا ناتوانی جسمی به طور کامل یا جزئی قادر به اداره امور خود نباشد دادگاه به درخواست او یا به ابتکار خود، برای او سرپرستی در قالب قیم نصب می کند. این درخواست همچنین ممکن است توسط شخصی که قادر به انجام معاملات قانونی نیست، ارائه شود. اگر شخص بالغ به دلیل ناتوانی جسمی نتواند امور خود را مدیریت کند فقط به درخواست شخص بالغ منصوب می شود، مگر اینکه شخص نتواند اراده خود را اعلام کند. همچنین قیم نمی تواند برخلاف اراده آزاد شخص بالغ منصوب شود. قیم تنها برای وظایف مشخصی که سرپرستی در آنها ضروری است، منصوب می شود. سرپرستی تاجایی که امور شخص بالغ می تواند توسط فردی دارای وکالت که از افراد مندرج در ماده ۱۸۹۷ (۳) نیست یا توسط سایر دستیارانی که نیاز به نماینده قانونی ندارند به همان خوبی قیم انجام شود، ضروری نیست. مطالبه حقوق شخص تحت سرپرستی، در برابر شخصی که از سوی او تعیین شده است، ممکن است در قالب گروهی از وظایف تعریف شود.

بر اساس ماده ۱۸۹۶ BGB تصمیم گیری در مورد ارتباطات تلفنی شخص تحت سرپرستی، دریافت، بازکردن و نگهداری پست های او فقط در صورتی جزو وظایف قیم گنجانده می شود که دادگاه به صراحت این امر را دستور داده باشد.

این ماده چارچوب تعیین قیم را مشخص می کند تا افراد محجور به دلیل ناتوانی خود، قربانی سوء استفاده یا تصمیم گیری های اشتباه نشوند. وظایف قیم در مدیریت امور مالی و حقوقی فرد محجور، تضمین کننده منافع و دارایی این افراد است. همچنین محدودیت هایی برای قیم وجود دارد که نمونه بارز آن، نظارت دادگاه است که برای جلوگیری از سوء استفاده قیم از حقوق محجور است. نکته ای مهم این است که حتی اگر قیم تعیین شود قانون تلاش دارد استقلال فرد تحت قیمومیت را در امور روزمره او حفظ کند که این امر نشان دهنده توازن میان حمایت و آزادی است. نکته دیگر اینکه قیم نمی تواند برخلاف اراده فرد تعیین شود، ولی

اگر فرد نتواند اراده خود را به وضوح بیان کند یا تصمیماتی که می گیرد به ضرر او باشد دادگاه می تواند بدون اذن او قیم تعیین کند. ماده های ۱۹۸۷، ۱۹۰۱ و ۱۹۰۲ BGB به ویژگی ها و وظایف قیم اشاره کرده است.

در ماده ۱۸۹۷ BGB در مورد انتخاب قیم آمده است:

- بند ۱: قیم باید فردی باشد که برای مدیریت امور محجور مناسب باشد؛
- بند ۴: اگر فرد تحت قیمومت، شخص خاصی را پیشنهاد کند و این پیشنهاد برخلاف منافع وی نباشد دادگاه باید آن شخص را انتخاب کند؛
- بند ۵: اگر نزدیکان فرد توانایی و تمایل به پذیرش قیمومت داشته باشند آنها در اولویت قرار دارند.

براساس ماده ۱۹۰۱ BGB وظایف عمومی قیم عبارت است از:

- بند ۱: قیم باید وظایف خود را به گونه ای انجام دهد که منافع فرد تحت قیمومت حفظ شود؛
- بند ۲: قیم باید در تصمیم گیری ها، خواسته ها و ترجیحات فرد تحت قیمومت را تا حد امکان در نظر بگیرد.

در ماده ۱۹۰۲ BGB در مورد نمایندگی قانونی آمده است: «قیم مجاز است در چارچوب وظایفش در قالب نماینده قانونی فرد تحت قیمومت عمل کند». در قانون مدنی آلمان (BGB) چارچوب دقیقی برای تعیین قیم، وظایف، اختیارات و محدودیت های او فراهم می کنند. هدف این قوانین حمایت از محجورین، حفظ حقوق اساسی آنها و جلوگیری از سوءاستفاده است.

## ۵. تفاوت ها و شباهت های قوانین محجورین در حقوق ایران و آلمان

### ۵-۱. شباهت های قوانین محجورین در حقوق ایران و آلمان

اگرچه هر دو نظام رویکردها و روش های متفاوتی برای وضع قانون دارند، اما نقاط مشترکی باهم دارند که عبارتند از:



- در هردو کشور، هدف ایجاد قاعده حمایت از محجورین و جلوگیری از آسیب مالی یا اجتماعی برای آنهاست،

- نظام حقوقی هردو کشور صغار و مجانین و افراد فاقد توانایی مالی یا ذهنی را تحت حمایت قانونی قرار داده است؛

- هردو نظام برای حمایت از محجورین و برای جلوگیری از ضایع شدن حق آنها و آسیب‌های موجود، قیمومیت را برای مدیریت امور ارائه کرده است.

## ۵-۲. تفاوت‌های قوانین محجورین در حقوق ایران و آلمان

- در مورد معتادان یا افراد با رفتار مخرب، هیچ نص صریح قانونی در حقوق ایران وجود ندارد، اما در قانون آلمان در ماده ۱۸۹۶ BGB آمده است: «افرادی که به دلیل اعتیاد یا رفتارهای مضر، توانایی مدیریت امور خود را از دست داده‌اند تحت قیمومیت قرار می‌گیرند»؛

- براساس ماده ۱۱۰ BGB در آلمان، معاملات جزئی صغار از محل منابع شخصی مانند پول توجیبی که دولت به آنها می‌دهد در نظر گرفته می‌شود، اما در ایران، تمام معاملات مالی نیاز به اجازه ولی یا قیم دارد؛

- براساس ماده ۱۹۰۱ BGB حقوق آلمان نسبت به محجورین، اراده و خواسته فرد را تا حدود زیادی مورد توجه قرار داده است، اما در نظام حقوقی ایران، توجه به اراده محجور کمتر تأکید شده و ولی یا قیم تصمیم‌گیرنده اصلی هستند و تمام اختیارات به ولی یا قیم داده شده است.

## ۶. نتیجه‌گیری

مبنای این دو نظام حقوقی ایران و آلمان، حمایت از محجورین است تا این افراد در برابر آسیب‌های اجتماعی و مالی محفوظ بمانند. از طرفی، هردو نظام، رویکرد حمایتی دارند و برای مدیریت امور محجورین، سیستم قیمومیت را تعیین کرده‌اند. محجورین در هردو نظام در بیشتر موارد مشابه هستند، البته حقوق آلمان علاوه بر صغیر، غیررشید و مجنون، محجور به دلیل اعتیاد و رفتار مخرب را نیز مورد بحث قرار داده است. تفاوت‌هایی در برخی حدود

حجر در دو نظام وجود دارد. می‌توان گفت ایران رویکرد سنتی‌تر دارد و مبتنی بر نظارت ولی یا قیم برای حفاظت مستقیم از محجور است. این رویکرد در برخی موارد ممکن است استقلال فردی محجور را محدود کند، اما برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی در فرهنگ‌های سنتی‌تر کارآمد است، اما آلمان رویکردی مدرن‌تر دارد و تأکیدش بیشتر بر مداخله و احترام به اراده محجور است و نه تنها از او حمایت می‌کند، بلکه تلاش می‌کند استقلال فردی او را حتی در شرایط قیمومیت حفظ کند. هردو نظام در راستای اهداف حمایتی خود موفق هستند.

### فهرست منابع

۱. ارشدی، علی‌یار (۱۳۸۴). شرح حقوق مدنی ایران: حقوق اشخاص. تهران: سایه روشن.
۲. امامی، حسن (۱۴۰۳). حقوق مدنی. تهران: انتشارات اسلامی.
۳. باریکلو، علیرضا (۱۴۰۱). اشخاص و حمایت قانونی آنان. تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۱). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
۵. جلیلی، معصومه (۱۳۸۱). بررسی و مطالعه تطبیقی ماهیت حقوقی قولنامه و آثار آن در حقوق ایران، فرانسه، آلمان، سوئیس، آمریکا، مصر و عراق. مجله کانون، ۴۶ (۴۰)، ۴۱-۴۶.
۶. حائری (شاهباغ)، سید علی (۱۳۲۸). شرح قانون مدنی. تهران: گنج دانش.
۷. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۶۸). لغت‌نامه دهخدا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. رفیعی، محمدتقی (۱۴۰۲). فرهنگ حقوقی مجد. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۹. سهیلی نژاد، حسین (۱۳۹۶). مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی محجورین و سرپرستان در حقوق ایران و پیش‌نویس قانون مدنی اتحادیه اروپا. بروجرد: دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی، دانشکده علوم انسانی.
۱۰. شیخ‌الاسلامی، محسن (۱۳۹۸). حقوق اساسی تطبیقی: انگلستان، ایالات متحده آمریکا، فرانسه و آلمان. تهران: گنج دانش.
۱۱. صفائی، سید حسین، و قاسم‌زاده، مرتضی (۱۳۹۴). اشخاص و محجورین. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۱۲. کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۳). الزام‌های خارج از قرارداد (مسئولیت مدنی). تهران: گنج دانش.
۱۳. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۸). حقوق خانواده. تهران: نشر علوم اسلامی.
۱۴. منصور، جهانگیر (۱۴۰۱). قانون مدنی ایران. قم: نشر دیدآور.
۱۵. نوری، محمدعلی (۱۴۰۳). قانون مدنی آلمان. تهران: گنج دانش.

1. Reinhard, D. (2016). Incapacitated persons' participation rights and the legal concept of the capacity to consent. *Bundesgesundheitsblatt Gesundheitsforschung Gesundheitsschutz*, 59(9), 84.